

پیشخوان

فردوسی در کفه تعالٰی

■ «بیداری در باغ مومیایی» با هدف مقایسه شاهنامه فردوسی با «غر اخبار ملوک الفرس و سیرهم» مشهور به «تاریخ تعالٰی» نوشته شده است. تاریخ تعالٰی کتاب نه‌چندان مشهوری است که همانند سایر آثاری که در زمینه تاریخ اساطیر پهلوانی و پادشاهی ایران به نگارش درآمده، در سایه عظمت فردوسی شهرت نیافته است. محمدرزاه درواقع به یک مقایسه تطبیقی دست می‌زند و هر جا داستانی مهم یا دوره‌ای از ادوار پادشاهی در یکی از دو اثر نیامده باشد را ذکر می‌کند. این کتاب در دو بخش کلی تدوین شده است؛ بخش نخست شامل هفت فصل است. فصل اول به معرفی کتاب غر اخبار ملوک الفرس و سیرهم می‌پردازد. نویسنده در فصل دوم مذهب، موضوع شاهنامه و عصری که فردوسی در آن زیست می‌کرد را مورد بررسی قرار می‌دهد و در فصل‌های سوم، چهارم و پنجم به مباحثی چون پیدایش روایات ملی، روایات اوستا، منابع مشترک فردوسی و تعالٰی و اندیشه تعالٰی می‌پردازد و فصل ششم را به معرفی اندیشه فردوسی اختصاص می‌دهد.

در فصل هفتم نویسنده حماسه و اسطوره را به چالش می‌کشد. بخش دوم کتاب شامل پنج فصل است که چهار فصل آن به فراز و فرود آمدن فاصله‌های پیشدادیان، کیانیان، اشکانیان و ساسانیان می‌پردازد و در نهایت محمدرزاه در فصل پنجم به جمع‌بندی تفاوت‌های شاهنامه با غر تعالٰی می‌پردازد. مطالب و روند داستان‌ها در شاهنامه و تاریخ تعالٰی یکی است، چنان که گاهی حتی جملات و عبارات نیز به هم شبیه‌اند. اما شاهنامه بسیاری از مطالب را مفصل‌تر آورده تا رنگ داستانی و حماسی به آنها بدهد. جز اینها نیز تفاوت‌هایی بین دو منبع هست که در یک تقسیم‌بندی کلی از این قرار است:

۱- روایاتی که در شاهنامه هست و در تاریخ تعالٰی نیست، مانند محضر خواستن ضحاک از کاوه، تولد رستم با سزاین، پادشاهی گرشاسب و...
۲- روایاتی که در تاریخ تعالٰی هست و در شاهنامه نیست، مثل کندن خندق و آراستن خرگاه به ابتکار منوچهر (از قول طبری)، بدعت‌های افراسیاب و شیوه‌های حکومت‌داری وی، مرگ پشتگ پدر افراسیاب و...

۳- جزئیات نام‌ها و ملت‌ها که در شاهنامه آمده و در تاریخ تعالٰی نیامده است.

۴- اختلافات روایات شاهنامه و تاریخ تعالٰی
۵- تشکیک تعالٰی. برخلاف فردوسی، تعالٰی بنا بر ماهیت کارش، برخی از روایات را به تردید می‌نگرد و تشکیح را درباره اصالت آنها بیان می‌کند که این از بار دراماتیک داستان‌ها می‌کاهد.

۶- تعالٰی صریحا درباره برخی شخصیت‌ها قضاوت می‌کند، اما فردوسی قضاوت را برعهده خواننده می‌گذارد و تنها به بیان کارها می‌پردازد.

۷- اختلافات اعتقادات فردوسی و تعالٰی. فردوسی درباره حلال‌زدگی ضحاک اظهار تردید می‌کند و تعالٰی در این باره سخنی نمی‌گوید.

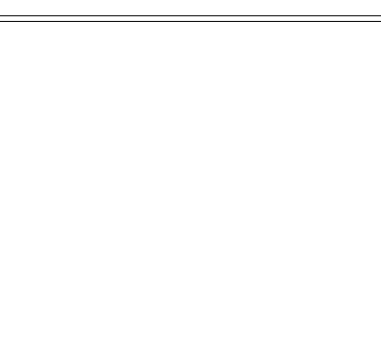
۸- تفاوت شیوه بیان اندرز. تعالٰی بیان اندرزهای شاهان ایرانی را نیز از اهداف نگارش تاریخش می‌داند و علاوه بر بازگویی پندهای شاهان، معمولا در پایان نقل سرگذشت‌شان، گاهی خود اشاره‌ها به مسایل اخلاقی دارد. اما فردوسی، علاوه بر بیان نصایح پادشاهان در جای‌جای داستان‌هایش، به بیان حکمت و عبرت می‌پردازد.



ویرتین

پژوهشی در سه‌روستای شمال ایران

■ این کتاب مجموعه سه پژوهش میدانی از «کاظم سادات اشکوری» مردشناس معاصر است که در روستاهای حیراللا و مریو و نامل انجام شده است. پژوهشگر در این سه پژوهش جنبه‌های گوناگون اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی این سه روستا را بررسی کرده است. شیوه‌های گذران زندگی، از کشاورزی، باغداری، دامپروری تا شکار، صنایع دستی، خانه‌سازی... از موضوع‌هایی است که در این کتاب مورد بررسی قرار گرفته‌اند. اشکوری در کنار این کار به بررسی شاخه‌های گوناگون فرهنگ عامه، از جمله ترانه و چستان پرداخته که به این پژوهش‌ها ارزشی دوچندان بخشیده و سرمشق برای انجام این گونه بررسی‌ها در اختیار دانشجویان مردم‌شناسی و علاقه‌مندان به پژوهش‌های اجتماعی قرار داده است. دستاورد دیگر این پژوهش‌ها، دریافت همانندی‌ها و مشابهت‌های فرهنگی میان مردم روستاهای شمال ایران و دیگر مردمان ایرانی است که در این کتاب می‌توان نمونه‌های بسیاری از آنها را یافت.



شرق: قسمت اول این گفت و گو در شماره دیروز صفحه کتاب چاپ شده بود. اینک بخش پایانی آن را می‌خوانید:

■ ■ ■

فروشنده‌های شهر کتاب بر مبنای چه ویژگی‌هایی انتخاب می‌شوند؟

ما فروشنده نداریم. کارشناس داریم. هنگام استخدام چند شرط گذاشتیم که از آن جمله اصالت خانوادگی، علاقه‌مندی به کتاب و فرهنگ، نوع پوشش، نحوه صحبت کردن، آشنایی با یک زبان خارجی، آشنایی با آ‌تی و برنامه‌های کامپیوتری و... کارشناس ما نباید کوچه بازاری صحبت کنند کسی که با فرهنگ سروکار دارد باید حداقل در ادبیات، نوع کلمات، پوشش، علاقه و آگاهی – به شکل نسبی – الگو باشد. حتما باید یک رشته دانشگاهی خوانده باشد و علاوه بر آن از یک مهارت دیگر هم بهره‌مند باشد. تمامی کارکنان فروشگاه مرکزی شهر کتاب غیر از تحصیل در رشته دانشگاهی یک توانایی دیگر هم دارند با نقاش یا گرافیسیت یا صاحب دیگر مهارت‌ها هستند. زبان دانی یک مشخصه دیگر است، فرانسه یا انگلیسی یا عربی می‌دانند. هر زمان اگر مشتری خارجی داشته باشیم یکی از کارشناسان را صدا می‌کنند تا او را همراهی و در انتخاب کالاهای فرهنگی کمک کنند. وقتی بازار کار اینقدر سخت است و شهر کتاب باید انتخاب کند و با دنیایی از ادعا و استاندارد می‌خواهد با مخاطب روبرو شود، همکاران آن باید توانایی لازم را داشته باشند.

چه توانایی و تسلطی در حوزه کتاب دارند؟ چند بار پیش آمده که در مورد کتابی از آنها سوال شده و نسبت به آن کتاب بی‌اطلاع بوده‌اند.

کارشناسان کتاب وظیفه دارند هنگامی که مشتری نیست کتاب‌های تازه را ببینند، ورق بزنند و آشنا شوند. کارشناسان فروشگاه مرکزی قبل از کارشان ۲۰ ساعت آموزش دیده‌اند اما تعداد کتاب اینجا زیاد است. ممکن است نیرویی تازه به اینجا آمده باشد، تا آموزش ببیند زمان می‌برد. این اتفاق‌ها در مورد نیروی انسانی طبیعی است. آنها شیفیتی هستند، یک روز صبح تا بعدازظهر و یک روز بعدازظهر تا شب و طبیعی است که چهار تا کتاب بیاید و اینها نمانند.

شهر کتاب وقتی به عنوان موسس و بانی فروشگاه زنجیره‌ای کتاب وارد عمل شد، به دنبال نقش حمایتی در حوزه کتاب بود. اما از زمانی که نشر هرمس با موسیقی هرمس آغاز به کار کردند چون پشتوانه قوی و امکان فروش قوی در اختیار داشتند، خیلی سریع رشد کردند و در نقش رقابتی با سایر انتشارات قرار گرفتند، این تعارض نیست؟

به شکل تئوریک حرف شما را قبول ندارم اما واقعیت چیز دیگری است، مدت‌هاست مدیر نشر هرمس از اینکه فروشگاه‌های ما رابطه ارگانیک با هرمس ندارند، گل‌مند است و من همیشه نگاه‌شتم این رابطه ایجاد شود. با تمام تجربه‌ای که داشتم هیچ‌وقت این را تبدیل به یک استاندارد نکردم، نه در مورد هرمس موسیقی و نه در مورد هرمس کتاب. از هر وجود هرمس کتابمیدانم این مدیران آن پیرسید به شما خواهند گفت که هیچ‌گاه در مورد خرید کتاب از هرمس به من دستوری داده نشده است. از طرف دیگر تولیدات هرمس در سال‌های گذشته اینقدر زیاد نبود که بتواند رقابت کند. تا دو سال پیش که تولیدش کم بود این خطر را نداشت، دو سال اخیر است که تولیدش به ۱۲۰ تا ۱۳۰ کتاب رسیده است و با این وجود ما تولیدمیدانم این را بخانه‌های کنیم که همه فروشگاه‌ها لازم است کتاب‌های هرمس را بخرند. به همین دلیل توزیع هرمس از طریق مراکز توزیع کتاب انجام می‌شود و غالبا مستقیم با فروشگاه‌های شهر کتاب رابطه‌ای ندارند. تنها فروشگاه مرکزی و دو فروشگاه دیگر مستقیم از هرمس کتاب می‌گیرند و مابقی از طریق پخش بنابرین این خطر خیلی کاهش پیدا می‌کند. حال تصور کنید روزی نشر کتاب هرمس از امکان فروشگاه‌ها روزنجره‌ای شهر کتاب استفاده کند. چه اتفاقی می‌افتد! سال گذشته هرمس ۱۴۰ عنوان کتاب منتشر کرده است؛ یعنی ۱۲۰ عنوان کتاب به نسبت ۵۰هزار عنوان کتاب منتشر شده در کل کشور. این نسبت، نسبت تاثیر گذاری نیست.

«هرمس» کتاب‌هایی را چاپ می‌کند که حق تالیف نیاز ندارند، مثلا کتاب «شرح زندگانی من» عبدالله مستوفی یا کتابی در مورد مولوی؛ کتاب‌هایی که انتشارات دیگر هم می‌توانند چاپ کنند!

همیشه بخشی از تولیدات انتشاراتی‌های بزرگ جهان به چاپ مجدد آثار کلاسیک که میراث فرهنگی است اختصاص دارد. هرمس باید در این زمینه ناووری می‌کرد. چون دیگران هم که دارند این کتاب‌ها را درمی‌آورند، هرمس در قطع، نوع کاغذ، نوع حروفچینی و جمع و جور کردن آن آثار و انتشارشان ناووری کرد. تا امروز هم از مجموع ۵۰۰ عنوان کتاب هرمس، ۲۱ عنوان از این کتاب‌ها درآمده است. یعنی درصد این کار به پنج‌درصد هم نمی‌رسد. اما هرمس از ابتدا به عنوان انتشاراتی که آثار ترجمه منتشر کند تعریف شد و در حوزه ترجمه‌تشویق کرده و مترجم‌های خوبی پرورش داده است. امروز در بازار کتاب قطعی وجود دارد به نام «قطع هرمسی» فکر، مطالعه و خلاقیت زیادی می‌خواهد تا بتوان به اینجا رسید. واقعا از مدیران و همکاران در هرمس سپاسگزارم.

مشکل حال حاضر در حوزه کتاب، معرفی و خرید کتاب است.

در این زمینه شما جلسات نقد کتاب برگزار می‌کنید، کاری که عموما انجام می‌شود و تاثیر به‌سزایی هم ندارد. موسسه

شهر کتاب چه ناووری در این زمینه داشته است؟

تاکنون کدام فروشگاه کتابی آمده صندلی بگذارد وسط کتاب‌ها و نویسندهای را دعوت کند بگوید بفرمایید ما مردمی که عمری آرزو داشتند شما را چشم‌درچشم ببینند گفت‌وگو کنید؟ مدیر فروشگاه مرکزی شهر کتاب تا امروز از ۳۰ مولف دعوت کرده است. این ایده تنها در نمایشگاه‌های کتاب اتفاق می‌افتد. در دنیا یک فروشگاه‌ی که باید بفروشد، نمی‌آید دو سه ساعت فروش‌اش را تعطیل کند. فروشگاه مرکزی فضای بزرگ

کتاب

مهدی فیروزان، مدیرعامل شهر کتاب:

فروشنده نداریم، کارشناس داریم

فاطمه شهریز فر



مهدی فیروزان

خود را به یک بوستان مفرح برای علاقه‌مندان یک نویسنده تبدیل می‌کند تا بیایند بنشینند و با هم گفت‌وگو کنند. در جلساتی که در مرکز فعالیت‌های فرهنگی شهر کتاب جلساتی که در فروشگاه مرکزی برگزار می‌شود تعداد زیادی از کتاب‌های نویسنده فروخته می‌شود و وقتی گزارش آن روز در مطبوعاتی مثل «شرق» که بر ادبیات و گسترش فرهنگ دقت دارد منتشر می‌شود، تا اقصا نظرات این می‌رود. حرف‌هایی در نقد یک کتاب مطرح می‌شود که به شکل کلیشه‌ای هیچ روزنامه‌ای درباره آن این حرف‌ها را نمی‌زند. درباره نقد کتاب‌هم در ایران کمتر نقد کتاب شکل گرفته است. چون همگی به رغم اینکه از نقد دفاع می‌کنیم اما انتقاداتی را که به ما می‌شود، بر نمی‌تابیم. در شهر کتاب شش سال است که ۳۰۰ کتاب نقد شده است. دو یا سه منتقد نشستند و کتاب را معرفی و نقد کردند. عموما هم توسط مطبوعات فاخر و ارزشمند مانند شرق و اطلاعات این گفت‌وگوها منتشر شده است. این گفت‌وگوها خیلی فرق شده است. این گفت‌وگوهای کلیشه‌ای در مورد کتاب نباید بلکه ضعف و نظریات شوتس و لاکمن را در زمینه ارتباط پی‌گیری می‌کند. بنابرین براساس پدیدارشناسی و ارتباط، خواننده را با این پرسش مواجه می‌کند که: «فرق‌اری می‌کند که در فصل ششم، نویسنده نظریات پدیدارشناسان را مورد بررسی قرار می‌دهد و نظریات شوتس و لاکمن را در زمینه ارتباط پی‌گیری می‌کند. بنابرین براساس پدیدارشناسی و ارتباط، خواننده را با این پرسش مواجه می‌کند که: «فرق‌اری می‌کند که در فصل ششم، ارتباط میان انسان‌ها به چه شرایطی نیاز؟ دارد؟ ایشل در این فصل به این پرسش پاسخ می‌دهد و شباهت‌ها و تفاوت‌های پدیدارشناسان و عملگراییان را به خواننده نشان می‌دهد.

فصل هشتم، به نظریات روش‌شناسی مردمی و تحلیل گفت‌وگو می‌پردازد و نظریات هرولد گارفینکل و هاروی سکس را مطرح می‌کند و «روش‌شناسی مردمی» که «کش روزمره در موقعیت خاص است» را به همراه «جامعه‌شناسی کنش متقابل زبانی یا همان گفت‌وگو» از زبانی می‌کند. در فصل دهم، «هابرماس و عقلانیت ارتباطی در ارتباط» بررسی می‌شود. نویسنده با تاکید بر اهمیت هابرماس

را در آن مناطق بالا برد. آن موقعی که ما نمایشگاه گذاشتیم نمایشگاه قرآنی نبود. وقتی ارشاد گذاشت دیگر ما نگذاشتیم. نمایشگاه کتاب کودک و نمایشگاه کتاب انگلیسی هم داشتیم. در مناطقی که کتاب کودک نمی‌رفت، رفتیم نمایشگاه کتاب کودک گذاشتیم. تیراز کتاب کودک در آن شهر بالا رفت. خیلی از کارهایی را که انجام می‌دادیم دیگر نمی‌کنیم چون نهادهای متولیش دارند انجام می‌دهند. اما در نمایشگاه کتاب تهران صرفا به این دلیل حضور پیدا می‌کنیم که یک رویداد خوشمزه مفرح فرهنگی است. ما می‌رویم که به شادابی مردم کمک کنیم، این غم و غصه رایجی که در طول سال ممکن است گرفتارش باشیم کنار بگذاریم و ۱۰ روز بیاییم شادمانی کنیم.

اکنون با توجه به گستردگی شعبی که مجموعه شعب شهر کتاب دارد، می‌تواند به نوعی غیرمستقیم در توزیع کتاب نقش داشته باشد. حضور و پخش یک کتاب که در نهایت منجر به معرفی آن می‌شود در شهر کتاب اتفاق خواهدافتاد؟

مدتی است داریم فکر می‌کنیم یک شبکه توزیع درست کنیم ولی هنوز از نظر اقتصادی به این جمع‌بندی نرسیده‌ایم که توزیع درون شهر کتاب را خود شهر کتاب بر عهده بگیرد. در ابتدای کار داشتیم و ضرر کردیم. به همین دلیل هم اختیارات مدیر شعبه را وسیع کردیم و در ازای آن پاسخگویی‌اش را هم وسیع کردیم. دیگر مدیر شعبه نمی‌تواند بگوید این کتابی سفارشی فرستادیم من نتوانستم بفروشم بنابراین نمی‌توانم تعهد مالی‌ام را انجام دهم. با اختیار خودشان و با توجه به مخاطبانشان عمل می‌کنند. اما الان داریم در مورد یک شبکه توزیع، نه براساس اینکه اعمال نظر کنیم چه کتابی باشد چه کتابی نباشد، بلکه بر این اساس که امر توزیع را در میان شعبه‌ها تسهیل کنیم، بررسی می‌کنیم. خصوصا پس از تأسیس فروشگاه‌های شهر کتاب در شهرستان‌ها و سرعت گرفتن روند توسعه، سازوکاری که کتافروشی‌های‌مان را برای جامعیت عرضه عناوین منتشر شده تقویت کنیم. اطلاعات در اختیارشان قرار می‌دهیم. بعضی از کتاب‌های خوب به دلیل اینکه مرکز پخش خوب ندارند، شناخته نمی‌شوند. کتاب‌های خوبی در شهرهای مختلف در آن‌ها پیدا که چون موسسه توزیع قوی ندارند کتابشان به اطلاع کتافروشان نمی‌رسد، چون به توزیع تهران وصل نیستند بسیاریشان مغفول واقع می‌شوند. یک مقداری کتاب‌ها را در این زمینه رصد می‌کنیم، سپس کتاب‌های خوب را به اطلاع مدیران می‌رسانیم که آنها فقط بداندند که این کتاب‌های خوب درآمده و مورد تایید ماست و طبق استاندارد است.

طرح باغ موزه کتاب در حال اجرایی شدن است، شما هم تعامل نزدیکی با آنها دارید. باغ موزه کتاب از طرح اولیه‌اش جدا شده و به نوعی دارد تبدیل به یک شهر کتاب بزرگ می‌شود. با توجه به تجربه‌تان در شهر کتاب، فکر می‌کنید باغ موزه کتاب چه نقش تازه‌ای می‌تواند در عرصه کتاب داشته باشد؟

وقتی ما آمدیم فروشگاه‌های شهر کتاب را ایجاد کردیم، خیلی از دوستان ما می‌گفتند به بازار دیگران لطمه می‌خورد، اما عملا بازار دیگران را بهتر کرد چون خریداران جدیدی به این بازار افزوده شدند و با کتاب آشنا شدند. حالا به فرض، منطقه‌شان را عوض کرده بودند دیگر از شهر کتاب خرید نمی‌کردند، می‌رفتند از کتافروشی دیگری می‌خریدند. ظرفیت نهفته‌ای در بازار کتاب و فرهنگ در ایران هست که هر جای جدیدی باز شود آن ظرفیت را بیدار می‌کند. بنابرین لطمه اقتصادی به هیچ‌کسی نمی‌خورد. من معتقدم که هرچه این کتافروشی‌ها بیشتر شود، بازار کتاب را بهتر می‌کند. نمی‌آید بازار کتافروشی‌های دیگر را تضعیف کند. همه نیرویم را برای موفقیت در این مجموعه گذاشته‌ام. هرچه از من خواسته شده، هرچه از من پرسیده شده است، گفته‌ام. به دلیل اینکه اینجا اگر رشد کند یک بازار جدید برای کتاب درست می‌شود. هر روز که مردم فرصت نمی‌کنند به آنجا بروند، یک روز به آنجا می‌روند تا با کتاب آشنا شوند و فردا می‌روند از کتافروشی محل‌شان خرید می‌کنند. همچنین از مدیران شهر کتاب تقاضا کردم با باغ کتاب همکاری کنند. هر مشورت و کمکی که لازم داشته باشند تقدیم خواهم کرد. ما به آنجا گفتمیم که می‌توانیم بخش کودک را اداره کنیم. در بخش کتاب‌های خارجی حاضریم کمک کنیم. ما کالای‌شان را تأمین کنیم و مدیریت با خودشان باشد. اما هنوز اجرایی نشده است.

«برای بحث‌های بنیادی جامعه‌شناختی... و به ویژه نظریه جامعه‌شناختی ارتباط»، معتقد است که هابرماس «براساس پارادایم خود، رسانه زبان را محور نظریه‌سازی جامعه‌شناختی خود قرار» می‌دهد و «توان عقلانیت موجود در زبان به عنوان راهنمای نظریه‌ی کنش و نظریه‌ی خود» استفاده می‌کند. دانلد دیویدسون، موضوع فصل یازدهم کتاب است. در این فصل، نظریه دیویدسون در مقابل نظریه هومبولت قرار داده می‌شود و تفاوت‌های این دو نظریه از سه جنبه بررسی می‌شود. «لومان و خودارجاعی در ارتباط» موضوع فصل دوازدهم کتاب است. نیکلاس لومان برای نویسنده کتاب از آن رو دارای اهمیت است که او «چارچوب نظری جدیدی برای نظریه ارتباطی تدوین کرده است». در این نظریه خواننده با این پرسش مواجه می‌شود که: «کنش‌های ارتباطی و افعال ارتباطی چگونه به یکدیگر متصل می‌شوند؟» و پاسخ این پرسش را در «خودارجاعی» می‌داند. در فصل بعدی، نظریه فردگرایی ساختاری هارتموت اسر بررسی می‌شود. از دیدگاه اسر «ارتباط کنش متقابلی است که از راه رسانه‌ها و همچنین نظام‌های نشانه‌ای هدایت و به آنها جهت داده می‌شود». در فصل چهاردهم به ویتگنشتاین و نظریات او پرداخته می‌شود و «بازی‌های زبانی» در این ارتباط بررسی می‌شوند. با طرح این بحث، نویسنده به استقبال فصل پانزدهم کتاب می‌رود. که به نظریات پی‌یر بوردیو و «تقصاد مبادله زبانی» می‌رود. کتاب حاضر به گفته مترجم آن یکی، از «خشختین کتاب‌های مبانی جامعه‌شناسی ارتباط به معنای واقعی آن است» که می‌تواند کمک شایانی به دانشجویان این رشته کند. این کتاب با ترجمه کرمان‌الله راسخ، توسط نشر نی، به تازگی چاپ و وارد بازار کتاب شده است.

نگاه

نظریه پرداز در مان ناپذیر

آزاده کاظمی

■ «تالکوت پارسونز در اهدانامه کتاب نظام اجتماعی به همسرش، خود را نظریه‌پرداز درمان‌ناپذیر معرفی می‌کند» این جمله، در ابتدای فصل اول کتاب «جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز» نوشته گی روشه آمده است. کتابی که از عنوان آن برمی‌آید، اندیشه‌های جامعه‌شناسی را بررسی می‌کند که خود را «نظریه‌پرداز درمان‌ناپذیر» معرفی می‌کند. نویسنده، این کتاب را زیر نظر پارسونز تالیف کرده و می‌تواند یکی از قابل اعتمادترین کتاب‌ها در حوزه توضیح و تشریح اندیشه تالکوت پارسونز باشد.

«جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز»، به هفت فصل تقسیم‌بندی شده است. در فصل نخست، باعنوان «نظریه‌پرداز درمان‌ناپذیر، جامعه‌شناسی آمریکایی»، گی روشه، به زندگی دانشگاهی و نظری این جامعه‌شناس می‌پردازد و ابعاد علمی، دانشگاهی او و تاثیراتش را بر جامعه‌شناسی بررسی می‌کند. نویسنده کتاب معتقد است، پارسونز هدفی بگانه در طول دوران زندگی‌اش پی‌گیری کرده است که آن عبارت است از: «ساختن قالب مفهومی و نظری برای جامعه‌شناسی... تا به جامعه‌شناسی هم پایگاه علم واقعی را اعطا و هم آنکه آن را به طرزی منطقی با سایر علوم انسانی مرتبط کند» این فصل، که هم آشنایی نسبی با نظرات این جامعه‌شناس است و هم تالش‌های یک جامعه‌شناس در طول زندگی‌اش، منبع بسیار خوبی برای شناخت تالکوت پارسونز به حساب می‌آید. فصل دوم با عنوان «نظریه عمومی کنش»، این نظریه بررسی می‌شود؛ نظریه‌ای که گی روشه از آن با عنوان مفهومی از جامعه‌شناسی یاد می‌کند که از نظر «جایگاه و محتوا بی‌همناست». بنابرین این فصل سه «مفهوم کنش اجتماعی» می‌پردازد و در ادامه «نظام کنش اجتماعی» را از نظر پارسونز بررسی می‌کند و سپس «مدل‌های فرهنگی، عناصر ساختاری نظام کنش» را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. و بعد با بررسی «متغیرهای ساختاری نظام کنش»، «پیش‌فرض‌های کارکردی» این نظام را تحلیل می‌کند. این مباحث به اضافه «نظام‌های فرعی کنش»، «فرآیندهای نظام کنش» و «هراتب سبیرنتیک» از مباحث مطرح‌شده در این فصل هستند.

«نظام اجتماعی و جامعه» عنوان فصل سوم کتاب «جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز» است. در این فصل، نویسنده به نظریه جامعه‌شناسی پارسونز نظر دارد و جامعه‌شناسی و ارتباطش را با علوم انسانی بررسی می‌کند و با تحلیل «کنش متقابل اجتماعی» نظام اجتماعی و ارتباطش را با محیط مورد ارزیابی قرار می‌دهد. گی روشه در این فصل، نظام اجتماعی را



«شامل مجموع شبکه کنش‌های متقابلی» می‌داند که در آن «دو یا چند کنشگر با یکدیگر در ارتباطند و متقابلا روی هم اثر می‌گذارند» از این رو نظر پارسونز را در «جامعه‌شناسی تطبیقی» مطرح می‌کند و می‌افزاید: «پارسونز معتقد است جامعه‌ها را بدون قرار دادن در مقیاس تکاملی نمی‌توان مقایسه کرد و گفت که فلان جامعه، جامعه پیشرفته‌تر از جامعه‌های دیگری است.» گی روشه با تحلیل «جامعه‌شناسی تطبیقی» این فصل را به

پایان می‌برد و در ادامه به «نظام‌های اقتصادی و سیاسی» از نگاه پارسونز نظر می‌کند. همان‌طور که از عنوان فصل چهارم برمی‌آید نویسنده نظرات این جامعه‌شناس را از نظر اقتصادی و سیاسی تحلیل می‌کند و به ایراداتی که به پارسونز در این‌باره وارد می‌کند پاسخ می‌دهد و اعلام می‌کند: «نظریه اجتماعی پارسونز پاسخی بر محور فرآیندهای کنش متقابل، شبکه کنش مبادله‌ها، کنش‌ها و واکنش‌ها، اختلال‌ها و سازگاری‌های مجددی که دایما در کنش حضور دارند، تدوین شده است.» گی روشه در فصل پنج، «ساختار و رشد شخصیت» را بررسی می‌کند و نظریه روان‌شناختی پارسونز را که بر مبنای مدل فرویدی تدوین شده است تشریح می‌کند. بنابرین نویسنده در این فصل، «شخصیت در نظام کنش، «نظام‌ها فرعی شخصیت»، «شخصیت به منزله نظام کنش» و «روانشناسی یادگیری» را توضیح می‌دهد و نهایتا خواننده را «به پدیده جامعه‌پذیری شخصیت» هدایت می‌کند و تحلیل شخصیت را «تا حد تفسیر نشانه‌های آسیب‌شناختی» پیش می‌برد.

فصل ششم نیز با عنوان «تحقیقات کاربردی»، خواننده را به آثار پارسونز ارجاع می‌دهد و معتقد است مقاله‌های جامعه‌شناسی کاربردی جزو مکمل آثار پارسونز هستند زیرا «هم به نظریه عمومی کنش مربوط‌اند و هم به جامعه‌شناسی عمومی». در این فصل گی روشه در تلاش است نگاه غالب و حاکم بر پارسونز را تعدیل کند و اتهام برج عاج‌نشینی او را چنین پاسخ دهد که پارسونز معتقد و مبلغ این فکر است که «جامعه‌شناس موظف است معاصرانش را از طرز کار و تکامل جامعه‌شان آگاه کند و راه‌های ممکن خروج از مشکلات را به آنان نشان دهد». پارسونز ایالات متحده آمریکا را میدان اصلی مطالعاتش قرار داده است بنابرین در تحقیقات کاربردی‌اش آثارش بازتاب تصویری از جامعه آمریکایی است. «جامعه‌شناسی پارسونز، نفوذ و مناقشات» عنوان فصل آخر کتاب است که نظرات این جامعه‌شناس را در کنار جامعه‌شناسی معاصر آمریکایی قرار می‌دهد و به نفوذ و مناقشاتی که نظرات او داشته، می‌پردازد.